





بازگشت ناطق نوری به صحنه سیاست با سخنانش درباره اقتدار موشکی؛ نمادی از احیای عقلانیت، گفت‌وگو و اعتدال در سیاست ایران است

# بازگشت شیخ نور به مدار سیاست

حسین فاطمی

هفت صبح

پس از سال‌ها سکوت و کناره‌گیری از عرصه سیاست، علی‌اکبر ناطق نوری بار دیگر به صدر اخبار بازگشت. چهره‌ای که در دو دهه گذشته همواره تر جیح داده بود در سایه بماند، این‌بار در حاشیه مراسم بزرگداشت سردار علیرضا افشار سخانی گفت که نه تنها یادآور دوران فعال او در سپهر سیاست ایران بود، بلکه نشان داد سکوتش به پایان رسیده است. او با اشاره به نبرد ۱۲ روزه میان مقاومت و اسرائیل، قدرت موشکی ایران را یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بازدارندگی در معادلات منطقه‌ای دانست و گفت که «اگر عزتی در دفاع ۱۲ روزه به وجود آمده، معلول چند عامل است که شاید بالاترین آن، آمادگی ایران در دفاع موشکی بوده است؛ موضوعی که دشمنان هرگز تصور نمی‌کردند و هنوز هم شاید باورشان نشود».

ناطق نوری با یاد از چهره‌هایی چون شهید تهرانی مقدم و حاجی‌زاده، تأکید کرد که «پایه‌های اقتدار ایران در همین توانمندی بومی است؛ توانمندی‌ای که گفته‌ام سبب شد دشمنان از ادامه درگیری‌ها عقب‌نشینی کنند و پیشنهاد آتش‌بس دهند». او همچنین عنوان داشت که «در دوران دفاع مقدس، ایران توان موشکی نداشت و عراق هر کاری می‌خواست انجام می‌داد اما امروز همین قدرت سبب شد اسرائیل و حامیانش عقب‌نشینی کنند».

## سیاستمداری که به وزن کلمات واقف است

اظهارنظر اخیر علی‌اکبر ناطق نوری درباره قدرت موشکی ایران و نقش آن در برهم‌زدن معادلات دشمن، اگرچه در ظاهر تأکیدی بر توان دفاعی کشور بود اما از منظر سیاسی معنایی فراتر دارد. این سخنان بلافاصله پس از مصاحبه جنجالی او درباره تسخیر سمارت آمریکا مطرح شد؛ گفت‌وگویی که واکنش‌های تند و گسترده‌ای را از سوی جریان‌های اصولگرا برانگیخت. در چنین فضایی، بیان موضعی ملی‌گرایانه و همسو با سیاست رسمی کشور می‌تواند نوعی بازتعادل در تصویر عمومی او ایجاد کند.

در واقع، ناطق نوری با تأکید بر اقتدار موشکی، می‌کوشد نشان دهد که نقد درست گذشته به معنای فاصله گرفتن از اصول نظام نیست. این رویکرد را می‌توان تلاشی آگاهانه برای کاهش حساسیت‌ها و بازسازی اعتماد سیاسی دانست؛ حرکتی حساب‌شده از سوی سیاستمداری که به خوبی به وزن نمادین سخنان خود واقف است. او با این موضع‌گیری، پیام می‌دهد که همچنان در چارچوب نظام و منافع ملی سخن می‌گوید، حتی اگر در برخی موضوعات تاریخی نگاه متفاوتی داشته باشد.

چنین رفتاری نشان از تجربه سیاسی بالای ناطق نوری دارد؛ سیاستمداری که می‌داند در شرایط پرتنش امروز، حفظ توازن میان نقد و وفاداری، کلید ماندگاری در سپهر سیاست ایران

است. بازگشت ناطق نوری پس از سال‌ها سکوت، آزمونی برای جامعه سیاسی ایران است؛ جامعه‌ای که هنوز درگیر جدال میان گذشته و آینده است. او با تأکید بر قدرت ملی، نقد رفتارهای افراطی و دعوت به بازخوانی تاریخ، در واقع به دنبال بازگشت گفت‌وگو به سیاست است. با وجود همه‌ها و مخالفت‌ها، به نظر می‌رسد این بازگشت می‌تواند یادآور این حقیقت باشد که در سیاست، عقلانیت اگرچه گاه به حاشیه رانده می‌شود اما هرگز از میان نمی‌رود.

## بازگشت تدریجی به صحنه با بازگشت «نور» به سایه؟

سخنان اخیر علی‌اکبر ناطق نوری در مراسم بزرگداشت سردار علیرضا افشار، در واقع بخشی از روندی تازه در بازتعریف موقعیت سیاسی این چهره کهنه‌کار به نظر می‌رسد. هرچند انتشار زمانی این دو رویداد به گونه‌ای بود که می‌توان آن را واکنشی به حاشیه‌های مصاحبه تفسیر کرد اما با در نظر گرفتن سابقه و سبک رفتاری ناطق نوری، می‌توان گفت او آگاهانه در حال سنجش شرایط برای بازگشت تدریجی به عرصه عمومی است.

ناطق نوری از معدود سیاستمدارانی است که هم در میان بدنه اصولگرای سنتی اعتبار دارد و هم نزد اصلاح‌طلبان چهره‌ای قابل احترام به شمار می‌آید. او در سال‌های اخیر از فعالیت حزبی و جناحی فاصله گرفت اما ارتباط خود را با نهاد‌های حاکمیتی و برخی حلقه‌های تصمیم‌سازی حفظ کرد. اکنون اگر این روند سخنرانی‌ها و اظهار نظرهای عمومی ادامه یابد، می‌تواند نشانه‌ای از تصمیم آگاهانه برای ایفای نقش جدید باشد؛ نقشی میانجی‌گرانه میان نیروهای سیاسی متعارض، با هدف بازگرداندن عقلانیت و تجربه به صحنه سیاست.

در عین حال، احتمال دارد این تحرک اخیر صرفاً یک کنش مقطعی باشد؛ واکنشی به فضای سیاسی پرتنش یا تلاشی برای دفاع از میراث سیاسی خویش. ناطق نوری در سن و جایگاهی قرار دارد که هر گام او حامل پیام سیاسی است و همین امر باعث می‌شود هر حضورش به‌طور طبیعی وزن رسانه‌ای بالایی پیدا کند. حالا باید دید که ناطق این مسیر را به شکل هدفمند ادامه خواهد داد و به گفت‌وگوها و موضع‌گیری‌های تازه روی می‌آورد، یا همچون سال‌های گذشته، پس از مدتی سکوت اختیار کرده و بار دیگر به سایه بازمی‌گردد؟ آنچه مسلم است، بازگشت احتمالی ناطق نوری می‌تواند نشانه‌ای از نیاز امروز سیاست ایران به چهره‌هایی باشد که میان تجربه و اعتدال پیوند برقرار می‌کنند.

## نشانه‌ای از بحران گفت‌وگو

چه ناطق نوری تصمیم به حضور پرتنگ‌تر در عرصه سیاسی و رسانه‌ای بگیرد و چه دوباره به سایه بازگردد، آنچه مهم است واکنش‌ها به سخنان او بود که به خوبی عمق شکاف در گفت‌وگوهای امروز را نشان داد. این واکنش‌ها صرفاً

نشانه‌ای از «بحران گفت‌وگو» در سیاست ایران است. جریانی در کشور خود را «حق مطلق» می‌پندارد عملاً تاب هیچ قرائت متفاوتی را ندارد و هر نوع بازنگری را «انحراف» تلقی می‌کند. در مقابل، ناطق نوری تلاش کرده است با زبان تجربه و از موضع خیرخواهی نسبت به کشور، بر ضرورت پرهیز از تندروی و بازگشت به عقلانیت تأکید کند.

در واقع تقابل ناطق نوری با تندروها، بازتاب یک چالش بزرگ‌تر در سیاست ایران است؛ تضاد میان عقلانیت محافظه‌کار سنتی و بنیادگرایی احساسی. چهره‌هایی چون او، با وجود تعلق تاریخی به جناح راست، اکنون در کنار اصلاح‌طلبان معتدل، از «ضرورت تنش‌زدایی و گفت‌وگوی ملی» سخن می‌گویند. همین نکته است که به گفته برخی ناظران، واکنش عصبی طیف‌های افراطی را تشدید کرده است.

از سوی دیگر، ناطق نوری در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به رفتارهای دلوپسان گفت: «بعضی از رفتارها و حتی گفتارهای تند باعث رنجش مردم می‌شود و به مصلحت کشور نیست، باید از تجربه ۴۰ ساله درس بگیریم و مسیرهایی برای اصلاحات اقتصادی و فرهنگی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی پیدا کنیم». این بخش از سخنان او، در واقع نوعی هشدار بود؛ هشدار به اینکه استمرار فضای تخاصم داخلی، سرمایه اجتماعی نظام را فرسوده می‌کند.

خروج از سایه‌نشینی ناطق نوری در مقطع فعلی، از دو منظر اهمیت دارد؛ نخست از زاویه «بازتعریف گفت‌وگو» که

در سال‌های اخیر زیر سایه جناح‌های تندرو قرار گرفته است و دوم از منظر «بازسازی زبان گفت‌وگو» در سیاست ایران. او با تجربه چند دهه حضور در عرصه قدرت، اکنون

می‌کوشد نقش واسط میان نسل انقلاب و نسل امروز را ایفا کند؛ نقشی که اگرچه ممکن است با مخالفت برخی مواجه شود، اما در بلندمدت برای توازن فضای سیاسی کشور حیاتی است.

در واقع سخنان ناطق نوری در باره قدرت دشمنی، فراتر از یادآوری یک دستاورد نظامی، پیام سیاسی روشن‌تری دارد؛ حفظ اقتدار ملی نیازمند انسجام داخلی و اعتماد عمومی است. این پیام، به‌ویژه در

شرایطی که جامعه با شکاف‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است، معنایی دوچندان دارد. شاید از همین روست که بازگشت او به عرصه سیاست، نه صرفاً یک رویداد فردی، بلکه نشانه‌ای از احیای عقلانیت در دل سیاست ایرانی تلقی می‌شود.

اظهارنظر اخیر علی‌اکبر ناطق نوری درباره قدرت موشکی ایران و نقش آن در برهم‌زدن معادلات دشمن، اگرچه در ظاهر تأکیدی بر توان دفاعی کشور بود اما از منظر سیاسی معنایی فراتر دارد. این سخنان بلافاصله پس از مصاحبه جنجالی او درباره تسخیر سمارت آمریکا مطرح شد؛ گفت‌وگویی که واکنش‌های تند و گسترده‌ای را از سوی جریان‌های اصولگرا برانگیخت. در چنین فضایی، بیان موضعی ملی‌گرایانه و همسو با سیاست رسمی کشور می‌تواند نوعی بازتعادل در تصویر عمومی او ایجاد کند.



## زیاده‌خواهی آمریکا باعث شده به میز مذاکره باز نگردیم

سیدعباس عراقچی که برای شرکت در همایش منطقه‌ای دیپلماسی استانی به مشهد



سفر کرده است. در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: مذاکراتی که قبلاً با آمریکایی‌ها در جریان بود و همچنین مذاکرات نیویورک، به دلیل زیاده‌خواهی طرف آمریکایی متوقف شد و پیشرفت، وزیر امور خارجه گفت: تا زمانی که آمریکایی‌ها سیاست زیاده‌خواهانه و حداکثری خود را کنار نگذارند و تقاضاهای غیرمعتدل از ما داشته باشند به میز مذاکره باز نمی‌گردیم.

وی اضافه کرد: آقای ویتسکاف از طریق واسطه‌ها، تماس‌هایی را برقرار و پیام‌هایی را ارسال می‌کند؛ جمهوری اسلامی ایران البته اهل صلح و دیپلماسی است.

وزیر امور خارجه ادامه داد: ما نشان داده‌ایم که همواره پایبند به راه‌حل‌های دیپلماتیک هستیم اما این به معنی گذشتن از حقوق مردم ایران نیست، هر کجا که منافع مردم ایران و مصالح عالی کشور از طریق دیپلماسی تأمین شود، ما اقدام کرده‌ایم اما با کسانی مواجه هستیم که هیچگاه به دیپلماسی پایبند نبوده‌اند.

عراقچی افزود: فارغ از تجارب گذشته، امسال پنج دور مذاکره برگزار و حین مذاکره به ایران حمله شد که آمریکا نیز از این حمله حمایت کرد.

وی ادامه داد: همچنین در نیویورک زمینه مذاکراتی برای یافتن یک راه‌حل معقول و مبتنی بر منافع متقابل وجود داشت که باز با درخواست‌های زیاده‌خواهانه طرف آمریکایی این مذاکرات نیز به سرانجام نرسید. تا زمانی که این رویکرد، رویکرد تلخ در مذاکره با آمریکایی‌ها وجود دارد، طبیعی است که امکان ورود مجدد به مذاکرات وجود ندارد، مگر اینکه رویکرد آمریکایی‌ها تغییر پیدا کند و آنها قبول کنند مذاکرات براساس احترام متقابل و از موضع برابر باشد.

عراقچی افزود: آنها مسیرهای دیگر را امتحان کرده و نتیجه نگرفته‌اند و اگر دوباره به همین روند ادامه دهند، باز هم به نتیجه نخواهند رسید.

وی گفت: ارتباط بین ایران و کشورهای همجوار از مسیر تعاملات و روابط استان‌های بین دو طرف مزا انجام می‌شود که برکات زیادی دارد. راه‌حل محلی برای بسیاری از مشکلات در مرزا وجود دارد و این مشکلات در تعاملات بین استان‌های مرزی با کشورهای همسایه برطرف می‌شود.

عراقچی به برگزاری نخستین همایش دیپلماسی استانی در شیراز نیز اشاره کرد و افزود: توسعه تعاملات اقتصادی بین دو سوی مرز در منطقه خراسان در همایش این دوره پیگیری می‌شود.

وی ادامه داد: همچنین یکی از زمینه‌های همکاری استان‌ها با افغانستان و پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی مربوط به حوزه گردشگری است، گردشگری برای ایرانیان و همچنین اتباع کشورهای ذکر شده می‌تواند پیگیری شود و همین موضوع گسترش‌دهنده روابط اقتصادی کشور با این کشورها باشد.

وزیر امور خارجه گفت: همسایگان ما در زمان تحریم‌ها نقش کلیدی و مهمی دارند، به نحوی که شاید تجارت ما با برخی کشورهای همسایه از مجموع تجارت کشور با مجموعه کشورهای اروپایی‌ها بیشتر باشد.

## ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



## کیوسک



## الیزابت اولسن و تعلق خاطر به پرده نقره‌ای سینما

الیزابت اولسن، بازیگر شناخته‌شده نقش «واندا ماکسیموف» در دنیای سینمایی مارول، در گفت‌وگویی تازه با مجله این استایل اعلام کرده است که از این پس تنها در فیلم‌هایی بازی خواهد کرد که در سالن‌های سینما اکران عمومی داشته باشند. اولسن که مسیر حرفه‌ای خود را با فیلم تحسین‌شده و مستقل «مارتا ماری می‌مارلین» در سال ۲۰۱۱ آغاز کرد، می‌گوید ترجیح می‌دهد تجربه تماشای فیلم همچنان در قالب جمعی و بر پرده بزرگ اتفاق بیفتد: «اگر فیلمی مستقل ساخته شود و بخش آن در شبکه‌های استریم صورت گیرد ایرادی ندارد اما نمی‌خواهم در فیلمی بازی کنم که مقصد نهایی‌اش فقط یک پلتفرم باشد. برای من مهم است که مردم کنار هم جمع شوند، دیگرا را ببینند و هیجان مشترک را تجربه کنند. مثل زمانی که برای تماشای مسابقه ورزشی گرد هم می‌آیند. این حس با هم بودن، بخش جدایی‌ناپذیر سینماست.» او همچنین از تغییر فضای بازیگری در سال‌های اخیر کلاه می‌کند و می‌گوید شرایط به گونه‌ای شده که حتی برای تست و آزمون بازیگری هم دیگر کسی حضوری نمی‌آید و همه چیز آنلاین شده است. اولسن پس از حضور در «دکتر استرنج در چندجهانی دیوانگی» در سال ۲۰۲۲، راه فیلم‌های کوچک و مستقل را در پیش گرفته است. او در فیلم‌های «سه دختر او» (۲۰۲۳) و «ارزایی» (۲۰۲۴) ایفای نقش کرده و به‌زودی در فیلم جدید استودیوی آی-۲۴ با عنوان «ابدیت» روی پرده خواهد رفت؛ فیلمی که قرار است اواخر نوامبر اکران شود. البته با وجود فاصله گرفتن از پروژه‌های بزرگ، اولسن هنوز دلبستگی خود به نقش «واندا» را حفظ کرده است. البته او پیش‌تر نیز تأکید کرده بود که آثار مارول برای منتقدان ساخته نمی‌شوند، بلکه برای هوادارانند. فیلم تازه اولسن، «ابدیت»، شاید بازگشتی باشد به همان فضایی که اولسن در آغاز راه دوست داشت؛ سینمایی مستقل با روح انسانی و حضور تماشاکر در سالن تارک سینما.

سگ‌های بلاصاحب، رقیب جدید گوشتخواران ایران شده‌اند

# غذاده‌ی به سگ‌ها؛ اشتباهی از سر مهربانی

جمعیت سگ‌های بلاصاحب ایران به بیش از شش میلیون قلاده رسیده و تعادل طبیعی میان گوشتخواران کشور را به خطر انداخته است

هر چه به حیوانات بلاصاحب شهری غذا دهیم، تعدادشان را زیاد کرده و حیوانات دیگر را به خطر می‌اندازیم

**لیلا مرگن**  
هفت صبح

غذاده‌ی به سگ‌های بلاصاحب نه تنها زمینه حمله به حیات وحش و سلب حق حیات از دیگر موجودات را فراهم می‌کند بلکه با به اشتراک گذاشتن منابع غذایی انسان با این حیوان، مصرف آب مجازی در کشور افزایش می‌یابد. همچنین افزایش جمعیت سگ‌ها زمینه توسعه هاری در موجودات زنده را فراهم می‌کند. کارشناسان هشدار می‌دهند که سگ‌های بلاصاحب به رقبای اصلی حق حیات برای دیگر جانداران در کشور تبدیل شده‌اند و باید در مواجهه با آنها تدبیری جدی اندیشیده شود.

جمعیت سگ‌های بلاصاحب در ایران رو به افزایش است. این حقیقت را می‌توان وقتی صبح زود در کنار ساحل دریا قدم می‌زنید یا برای کوه‌پیمایی به کوه‌های اطراف تهران مراجعه می‌کنید، با گوشت و پوست خود لمس کنید. سگ‌هایی که نه تنها وقتی انسان را می‌بینند فرار نمی‌کنند بلکه اطراف افراد حلقه می‌زنند تا شاید غذایی دریافت کنند. برخی برای این سگ‌ها سفره پهن می‌کنند، گروهی آنها را نوازش می‌کنند و عده‌ای دیگر معتقدند که باید غذای این حیوانات بلاصاحب را شست، در ظرف قرار داد و روبه‌رویشان گذاشت تا در گیر انگل نشوند و زندگی طولانی داشته باشند. همه این اتفاقات در شرایطی رخ می‌دهد که همین دو دهه پیش هیچ خبری از این رفتارها نبود. سگ‌های بلاصاحبی که پله و رها

این جا ببینید



اگرچه طرفداران غذاده‌ی معتقدند که ضایعات بخش تولید پروتئین را به سگ‌های بلاصاحب می‌دهند اما این تحلیل‌ها اشتباه است زیرا نه تنها افرادی هستند که مرغ را پخته و به سگ‌ها می‌دهند بلکه غذاده‌ی به سگ‌ها بخش تقاضای مواد پروتئینی را تحریک کرده و منجر به افزایش خرید در این بخش می‌شود

## گزارش ۲

**هفت صبح**| مناقشه بر سر تغییر کاربری اراضی جنگلی جلگه‌ای موسوم به ۱۰ هکتاری‌ها قدمتی بیش از نیم قرن در کشور دارد. بر اساس اعلام مدیرکل منابع طبیعی مازندران -نوشهر تاکنون ۳۰۰ پرونده قضایی برای تخلقات در این قطعات تشکیل شده که در این میان فقط در یک پرونده، حکم قلع و قمع از سوی دادگاه صادر شده است. به اعتقاد کارشناسان بازگشت به هدف اولیه، تنها راه ساماندهی اراضی جنگلی جلگه‌ای و جلوگیری از تخلقات است.

خبرهای رسیده حاکی از آن است که با اجرای حکم قلع و قمع ۶۴ ویلاواقع در روستای حمزه ده، قطعه هفت هکتاری آزاد شده تبدیل به باغ مرکبات شده است. این قطعه زمین که در واقع یکی از قطعات موسوم به ۱۰ هکتاری واقع در غرب مازندران است، به گفته مهرداد خزایی پول مدیرکل منابع طبیعی مازندران -نوشهر به کاربری اولیه خود تبدیل شده است.

او به «هفت صبح» درباره اجرای این حکم می‌گوید: مالک زمین فردی بود که از طریق جعل امضای مدیران منابع طبیعی به دنبال تغییر کاربری زمین بود اما در نهایت موضوع الزام به بازگشت به طرح اولیه با تخریب ویلاهای ساخته شده، انجام شد.

به گفته مدیرکل منابع طبیعی مازندران -نوشهر در حال حاضر حدود ۳۰۰ قطعه ۱۰ هکتاری داریم که تغییر کاربری پیدا کرده است. از ابتدای انقلاب تاکنون یکسری زمین‌ها صادره شده، برخی به روستا ملحق شده و مسائل زیادی در این قطعات پیش آمده است.

قطعات ۱۰ هکتاری که در بدو تشکیل ۹۵۳ قطعه بوده‌اند، امروز دچار مشکلات عدیده‌ای هستند زیرا متولیان منابع طبیعی نمی‌توانند با شکایت کیفری با تخلقات انجام شده در این زمین‌ها مقابله کنند و باید از بعد حقوقی وارد عمل شده و پرونده تشکیل دهند اما چون صاحبان این زمین‌ها سندن مالکیت دارند، معمولاً قضات رای به قلع و قمع نمی‌دهند و شکایت حقوقی هم زمان بر است.

آن‌طور که خزایی پول توضیح می‌دهد: بسیاری از شکایت‌های مطرح شده در رابطه با ۱۰ هکتاری‌ها به نتیجه نرسیده و منجر به حکم خاصی نشده است. به گفته این مقام مسئول ساماندهی مسائل مرتبط با ۱۰ هکتاری‌ها نیاز به اعتبارات خاصی دارد زیرا اداره کل استان نمی‌تواند امکانات حفاظتی جنگل را صرف سرکشی به اراضی ۱۰ هکتاری کند. از سبوی دیگر بلند بودن دیوار برخی از این قطعات، امکان سرکشی به داخل محوطه را از ماموران سلب کرده و این اداره نیازمند تجهیزات پهبادی برای بررسی وضعیت زمین است.

## مصوبه در دسر ساز گردشگری

بر اساس مصوبه‌ای در دولت محمود احمدی‌نژاد، قرار بود که بخشی از اراضی ۱۰ هکتاری به توسعه گردشگری در غرب مازندران اختصاص یابد، اگرچه این مصوبه با دستور

همه محیط‌های شهری و غیر شهری را اشغال کرده‌اند، در کنار ساحل به جان کاکایی‌ها می‌افتند تا سفره مشترکی که برایشان از بقایای گوشت مرغ پهن شده را به تسخیر خود در آورند. افزایش جمعیت این سگ‌های بلاصاحب زمینه حمله سگ‌ها به انسان را هم فراهم کرده و هاری در کشور را توسعه داده است. این روزها حتی روستاییان هم از افزایش جمعیت سگ‌ها دل‌دارند.

## جمعیت سگ‌های بلاصاحب، صدر نشین گوشتخواران ایران

هفته گذشته رئیس سازمان دامپزشکی کشور جمعیت سگ‌های بلاصاحب را ۱۰ میلیون قلاده پیش‌بینی کرده و وزارت بهداشت هم تعداد حیوان گزیدگی در ۱۰ ماهه نخست ۱۴۰۳ را ۷۰۰ هزار مورد اعلام کرده است. مجید دریکوند دارنده دکتری تنوع زیستی و کارشناس محیط زیست در گفت‌وگو با «هفت صبح» بر این باور است که اگر فقط ۱۰ درصد جمعیت سگ‌های کشور به انسان حمله کرده باشند، با توجه به آمارهای وزارت بهداشت نزدیک به پنج میلیون قلاده سگ در کشور وجود دارد.

او که تخمین زدن جمعیت سگ‌های بلاصاحب در کشور را کار بسیار دشواری می‌داند، با در نظر گرفتن میانگین جمعیت اعلام شده از سوی دامپزشکی و تخمین جمعیت حاصل از کژش سگ‌ها، تعداد سگ‌های بلاصاحب ایران را ۶ تا ۷ میلیون قلاده اعلام می‌کند.

به گفته این کارشناس محیط زیست ما در هیچ گوشتخواری، جمعیت ۶ میلیونی نداریم. بزرگترین گوشتخوار ایران پلنگ است که جمعیت آن زیر هزار قلاده است. اگر ارزیابی صحیح باشد، بین هزار تا دو هزار قلاده پلنگ در ایران داریم. حتی جمعیت روباه، گرگ یا شغال هم ۶ میلیون نیست. سگ به تنهایی رقیب همه گوشتخواران ایران است. سگ غذای خود را از انسان نمی‌ترسد اما در طبیعت خرگوش را می‌خورد، با قوچ و میش و کل و بز حمله می‌کند، با گرگ‌های وحشی هیبرید(گرگاس) به‌وجود می‌آورد و آسیب‌های زیادی دارد.

## ۹۰ میلیون لیتسر آب، پنهان در غذای سگ‌ها

در یکوند در تحلیل اثرات غذاده‌ی به سگ‌ها، در پیچه جدیدی را می‌گشاید و از

منظر آب مجازی به تحلیل این پدیده می‌پردازد. به اعتقاد او، اگرچه طرفداران غذاده‌ی معتقدند که ضایعات بخش تولید پروتئین را به سگ‌های بلاصاحب می‌دهند اما این تحلیل‌ها اشتباه است زیرا نه تنها افرادی هستند که مرغ را پخته و به سگ‌ها می‌دهند بلکه غذاده‌ی به سگ‌ها بخش تقاضای مواد پروتئینی را تحریک کرده و منجر به افزایش خرید در این بخش می‌شود. یعنی اگر نیاز روزانه تهران به گوشت مرغ هزار تن باشد، یا در نظر گرفتن پدیده غذاده‌ی، این نیاز به روزانه ۱۳۰۰ تن افزایش می‌یابد.

برای تولید هر کیلوگرم گوشت و پروتئین ۱۸ هزار لیتر آب مصرف می‌شود و در یکوند با یک حساب سرانگشتی و لحاظ کردن مصرف سالانه یک کیلوگرم گوشت برای هر سگ بلاصاحب با در نظر گرفتن جمعیت پنج میلیونی این حیوان، به مصرف ۹۰ میلیون لیتر آب مجازی صرفا برای غذاده‌ی به سگ‌های بلاصاحب می‌رسد و این در حالی است که تالاب‌های ایران یکی پس از دیگری خشک شده و برای انتقال آب خلیج فارس، پروژه‌های کلان با ۱۲ ایستگاه پمپاژ اجرا می‌شود.

او از زاویه‌ای دیگر هم به رقابت جمعیت سگ‌های بلاصاحب با حق حیات در ایران می‌پردازد و با در نظر گرفتن جمعیت ۱۳ میلیون نفری تهران، بر این باور است که اگر یک میلیون نفر در پایتخت سگ یا گر به نگه دارند، این حیوان به مثابه یک شهروند آب برای رفع نیازهایش مصرف می‌کند، آن هم در کشوری که در مدیریت منابع آب شکست خورده است.

## توسعه هاری با افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب

تاکید در یکوند در غذاده‌ی به حیوانات بلاصاحب استفاده بیش از حد و بی‌تدبیر از منابعی است که این منابع به شدت رو به پایان است اما یا این تمام ماجرای غذاده‌ی به سگ‌های بلاصاحب است؟

پیام محبی به‌عنوان یک دامپزشک به یک سوی دیگر از

ماجرای غذاده‌ی به سگ‌ها اشاره دارد. او به «هفت صبح» می‌گوید: غذاده‌ی به سگ‌ها خرچه هاری در کشور را تسریع می‌کند. هرچه به حیوانات بلاصاحب شهری غذا دهیم، تعدادشان را زیاد کرده و حیوانات دیگر را به خطر می‌اندازیم در واقع حق حیات را از حیوانات دیگر می‌گیریم. به گفته این دامپزشک، سگ‌ها و همه دام‌های اهلی که توسط انسان برای مزارع ساخته شده‌اند، نباید به صورت آزاد وجود داشته باشند. افراد می‌توانند از این حیوانات در خانه‌های خود نگهداری کنند اما نباید حیوانات اهلی از چارچوب خانه خارج شوند.

او همه حیوانات خونگرم را ناقل هاری معرفی می‌کند اما اگر حیوان دندان داشته باشد، می‌تواند شرایط ابتلای افراد را تشدید کند اما داستان زمانی وحشتناک‌تر می‌شود که بدانیم ویروس هاری بعد از ورود به بذاق سگ به سرعت خود را نشان داده و حیوان بعد از ۱۰ روز می‌مرد اما همین سگ‌های الوده اگر ویروس را به روباه منتقل کنند، این ویروس در بدن حیوان باقی می‌ماند و به‌عنوان مخزن عمل کرده و هاری را توسعه می‌دهد.

محبی با اشاره به شیوع بیماری هاری در گرچه‌های تهران از دو رقمی شدن آمار مرگ و میر انسانی ناشی از هاری خبر می‌دهد در حالی که پیش از این تعداد کشته‌های ناشی از این بیماری تک رقمی بوده است.

اگرچه بارها نسبت به تبعات ناشی از غذاده‌ی به حیوانات بلاصاحب شهری از سوی کارشناسان محیط زیست هشدار داده شده است، اما مسئولان نه تنها چاره‌ای برای حل این مشکل ندارند بلکه یک متولی مشخص برای ساماندهی حیوانات بلاصاحب هم وجود ندارد. اقدامات پراکنده، بلاتکلیفی در مواجهه با حیوانات بلاصاحب و رفتارهای افراطی برخی افراد هر روز گرّه حل مشکل حیوانات بلاصاحب را کورتر می‌کند و گویا هیچ مسئولی نگران کاهش منابع و توسعه هاری در ایران نیست.



**وزیر وقت برای اینکه در مسند باقی بماند، در سال ۴۸ زمین‌های ۱۰هکتاری را تبدیل به رانت می‌کند و در اوج اقتدار، ساختار، حق جنگل را می‌خورد. بسیاری از شکایت‌های مطرح شده در رابطه با ۱۰ هکتاری‌ها به نتیجه نر رسیده و منجر به حکم خاصی نشده است**

اعوان و انصار شاه تقسیم می‌شود. بهانه مجلس هم این بوده که دامداران نمی‌توانند جنگل‌های جلگه‌ای را تبدیل کنند. از آنجا که قطعات ۱۰ هکتاری جاده و امکانات در اختیار داشته، این قطعات در نهایت تبدیل به ویلا می‌شود. او همچنین به نفوذ و دخالت افراد ذی‌نفوذ حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید که این افراد در سال ۱۳۵۹ قانون حفظ و گسترش فضای سبز را هم ملغی می‌کنند زیرا در تبصره هفت این قانون درباره قطعات ۱۰ هکتاری نوشته شده بود که این قطعات ولو اینکه سندشان به نام افراد صادر شده باشد، اگر طرحشان اجرایی نشده، باید به منابع طبیعی بازگردانده شوند.

به اعتقاد انگورج زمانی که وزارت منابع طبیعی تشکیل شده بود و این تشکیلات در اوج اقتدار بود، وزیر وقت برای اینکه در مسند باقی بماند، در سال ۴۸ زمین‌های ۱۰ هکتاری را تبدیل به رانت می‌کند و در اوج اقتدار ساختار، حق جنگل را می‌خورد. البته او خوشبین است که ساز و کارهای برای بازگرداندن زمین‌ها وجود دارد و می‌توان با اعطای یکسری امتیازات، زمین‌ها را پس گرفت.

نیم قرن مناقشه بر سر کاربری اراضی جنگلی جلگه‌ای که در حاصلخیزترین خاک ایران واقع شده‌اند، نبردی فرسایشی است که فقط وقت و انرژی کشور را هدر می‌دهد. کاشش موانع امر هرچه سریع‌تر با تدوین یک برنامه دقیق و درست، موضوع ساماندهی اراضی جنگلی جلگه‌ای را در دستور کار قرار دهند و یکبار برای همیشه پرونده این زمین‌ها را مختومه کنند.



معاون اول دولت روحانی ملغی اعلام شد اما اجرای کوتاه مدت آن هم مسائل و مشکلاتی را برای مسئولان استانی ایجاد کرده است. خزایی پول در این رابطه می‌گوید: در «پان پلزار» ۲۰ درصد مجوز گردشگری داده بودند اما مالک زمین، مازاد بر آن میزان ساخته بودند که برای تخریب بخش مازاد حکم از دادگاه دریافت کردیم. اما به‌طور کلی در موضوع ۱۰ هکتاری‌ها و بررسی پرونده‌ها، روند خوبی نداریم.

خبرهای رسیده حکایت از مناطق شمالی کشور است و از آنجا که سازمان منابع طبیعی نمی‌تواند به صورت کیفری به مسئله تغییر کاربری ورود کند، فرصتی برای ساخت و ساز در این قطعات برای متخلفان ایجاد می‌شود. ضمن آنکه گاهی افراد در ادارات ثبت اقدام به نقل و انتقال اسناد می‌کنند و یکباره منابع طبیعی با ۴۰۰ سند شماعی مواجه می‌شود که باید برایشان پرونده تشکیل دهد. اگر در این میان یک نفر فوت کند، روند انحصار وراثت هم به این داستان پیچیده اضافه خواهد شد.

مدیرکل منابع طبیعی مازندران -نوشهر با اجرای طرح‌های گردشگری در قطعات ۱۰ هکتاری مشروط بر اینکه به صورت متمرکز مجوز ساخت و ساز فقط در ۲۰ درصد عرصه صادر شود، بنای ساخته شده به هتل، مثل یا سازه‌ای که مورد استفاده عموم است اختصاص یابد و اگر مالک تخطی کرد، به جای اینکه منابع طبیعی درگیر پرونده قضایی شود، کل زمین به عرصه‌های طبیعی بازگردانده شود، موافق است.

## نگاه

اطفای حریق جنگل‌های سپیدبرگ کرمانشاه به پایان رسید

## استان‌های غربی صدر نشین اخبار آتش سوزی



**هفت صبح**| جنگل‌های ایران در پاییز خشک امسال باز هم طعمه حریق شدند. این بار آتش‌سوزی در جنگل‌های سپیدبرگ جانورود پس از ۱۲ ساعت مهار شد. آمارها نشان می‌دهد بیشترین تمرکز حریق‌ها در استان‌های غربی و شمالی کشور بوده است.

این روزها در شرایطی که اولین ماه پاییز را به پایان رسانده‌ایم، خبری از بارش‌ها نیست. پاییز خشک امسال این نوبد را می‌دهد که در این فصل هم مثل تابستان و بهار باید نیروهای حافظ طبیعت در وضعیت آماده باش باشند زیرا خشکی هوا، احتمال بروز حریق را تشدید می‌کند.

آتش گرفتن جنگل‌های سپیدبرگ جانورود نشان داد که هشدارها درباره به هوش بودن نیروهای حفاظتی چندان براه هم نبوده است. روز چهارشنبه ۳۰ مهر عطاالله قادری، رئیس اداره محیط زیست جانورود از اطفای حریق جنگل‌های کرمانشاه پس از ۱۲ ساعت خبر داد.

به گفته او، آتش سوزی در یکی از نقاط صعب‌العبور و دامنه‌های شیب‌دار منطقه سپیدبرگ رخ داده است. به‌دلیل پوشش گیاهی خشک و وزش باد، گسترش آتش سرعت زیادی داشته اما با ۱۲ ساعت عملیات مداوم، مهار کامل انجام شد.

در جریان عملیات، نیروهای حاضر در صحنه بیش از ۱۵ کیلومتر را در شرایط سخت توپوگرافی و شب‌های تند طی کردند تا از سرایت آتش به سایر نقاط جنگلی جلوگیری کنند.

## وقوع بیش از ۳۰۰ حریق در سال جاری

قطعا حریق جنگل‌های کرمانشاه آخرین امسال نیست. بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، تخمین زده می‌شود که بیش از ۳۰۰ مورد حریق از ابتدای سال جاری تاکنون به ثبت رسیده است. البته ممکن است این عدد با آمارهای رسمی و تجمعی دو سازمان منابع طبیعی و محیط زیست فاصله داشته باشد زیرا میانگین سالانه وقوع حریق در ایران بیش از ۲۲۰۰ مورد به ثبت رسیده است اما بر اساس گزارش‌های منتشر شده، می‌دانیم که حریق‌های بزرگ در سال جاری بیشتر شده است.

## ۹۰درصد حریق‌ها ناشی از عوامل انسانی

بررسی اخبار نشان می‌دهد که بیش از ۱۱ استان کشور یعنی یک سوم استان‌های ایران درگیر پدیده حریق در عرصه‌های طبیعی خود بوده‌اند و تا مرداد ماه بیشترین میزان حریق در استان‌های شمالی و غربی به‌ویژه جنگل‌های زاگرس گزارش شده است. مطابق معمول مهمترین دلیل حریق هم عوامل انسانی اعلام شده و بیش از ۹۰ درصد حریق‌ها را به عامل انسانی نسبت می‌دهند زیرا اکثر آتش‌سوزی‌ها در مناطق صعب‌العبور اتفاق افتاده و احتمالاً خاموش نکردن درست آتش توسط چوپان‌ها یا کوهنوردان زمینه بروز حریق در این مناطق را فراهم کرده است. سوزاندن کاه و کلش مزارع، رهاکردن سیگار و افزایش دما هم از جمله عواملی اعلام می‌شود که اثر تشدیدکننده بر حریق عرصه‌های طبیعی دارند.

رشد ۴۰ درصدی سطح حریق نسبت به سال قبل تخمین‌ها حاکی از آن است که از ابتدای سال جاری تاکنون ۵۵ هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی در آتش سوخته‌اند که این سطح رشد حدود ۴۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل دارند.

نکته نگران‌کننده آن است که اگر اقدامات پیشگیرانه برای وقوع حریق انجام نشود، میزان وقوع آتش سوزی در پاییز امسال احتمالاً با رشد ۲۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به سال قبل مواجه خواهد شد و اگر اقدامات حفاظتی انجام شود و نیروها در وضعیت آماده باش کامل باشند، به دلیل خشکی هوا با افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی حریق مواجه خواهیم بود.

## بر خورد با سوزاندن کاه و کلش در برخی استان‌ها

با توجه به مخاطرات موجود در وقوع حریق، امسال برخی استان‌های پرریسک کشور به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۹ آیین‌نامه اجرایی قانون پسماند و ماده ۲۰ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ سوزاندن هر گونه کاه و کلش در مزارع را ممنوع اعلام کرده‌اند. شاید این اقدام بتواند از انتقال حریق به عرصه‌های طبیعی خودداری کرده و مانع توسعه آن در عرصه‌های طبیعی شود.

## تکیه بر مردم بدون امکانات

بررسی‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که مسئولان در سال جاری احداث آتش‌بز، آموزش همگانی، ساماندهی تشک‌ل‌های مردمی و آماده سازی تجهیزات اطفای حریق را مهمترین اقدامات خود در راستای مقابله با اطفای حریق اعلام کرده‌اند. احداث پد بالگرد در برخی استان‌ها و تجهیز دهیار‌ها به تجهیزات اطفای حریق را هم جزو اقدامی ضروری برشمرده‌اند.

به این ترتیب باز هم مسئولان بدون ایجاد امکانات، تکیه بر مردم را یکی از راه‌های اصلی و مهم برای مقابله با سگ‌های حریق می‌دانند. در حالی که نه تنها هیچ ابزاری برای حمایت از نیروهای مردمی آسیب دیده در جریان عملیات اطفای حریق در اختیار ندارند بلکه تجهیزاتی نظیر لباس مناسب، آتش کوب و غیره نیز به میزان کافی در اختیار دهیار‌ها قرار نمی‌گیرد و بوروکراسی اداری، رسماً فعالیت نیروهای داوطلب در اطفای حریق عرصه‌های طبیعی را با مشکل مواجه کرده است.

رفت‌وآمد دائمی داشته باشند اما از بدو ورود، اتفاقاتی رخ داده بود. تلفن‌شان را از ایشان گرفتند و اجازه خروج از منزل را به وی ندادند. در نتیجه، ایشان حتی فرصت نیافتند به سرزمینی که در آن متولد شده‌اند سسر بزنند؛ چرا که هر لحظه ممکن بود تلفن منزل به صدا درآید و ایشان به دلیل عدم دسترسی کافی برای پاسخگویی دچار مشکلاتی شوند.» همای می‌افزاید: «با این ضد و نقیض‌هایی که می‌بینم و بی‌حرمتی‌هایی که به‌آسانی در فضای مجازی هر کسی می‌تواند به هر کسی داشته باشد، این فرصت برای هنرمندان ایجاد نمی‌شود که ببایند.»

#### امیر تتلو و بحران‌های اجتماعی

این هنرمند درباره خبر زندانی شدن امیر تتلو و امثال او می‌گوید: «شما فکر می‌کنید با زندانی کردن امیر تتلو، تفکراتش از بیسن رفت؟ نه! باید با بحران‌های اجتماعی که تتلو در آنها موج زد، مقابله کرد، نه با امیر تتلو.» همای معتقد است: «به نظر من محاکمه کردنش به ضرر سیستم است که به سودش نیست. جدا از اینکه باید به او فرصت داد که برگردد و به افکار خودش فکر کند. امیر تتلو محاکمه‌شده، دوباره در جرم دیگری برمی‌گردد و کار خودش را ادامه می‌دهد. من می‌دانم. تفکرات این شکلی چیز هنری نیست و به نظر من نفعی برای جامعه ندارد؛ بلکه بیشتر حاشیه و زاویه درست می‌کند با سیستم.»

#### هایده

#### صدای خلوت

پرواز همای درباره موسیقی‌ای که در خلوت خود گوش می‌دهد، با علاقه می‌گوید: «هایده را خیلی دوست دارم. از آنجایی که هنرمندان را ابزار گذر انرژی و حق می‌دانم، صدای خدا را در صدای هایده به‌وضوح می‌شنوم.» او آهنگی از هایده با شعری از اردلان سرفراز را که زم‌زمه می‌کند، به یاد می‌آورد: «همه به جرم مستی سر دار ملامت ....»

#### بال پرواز

#### هیجان و آرامش نزدیک به خدا

همای که نامش پیوندی ناگسستنی با پرواز دارد، با اشاره به وجود بال پرواز (پاراگلایدر) در خودروی شخصی‌اش، عشق و علاقه‌خود به این تجربه را شرح می‌دهد: «پرواز کردن دو بُعد کاملاً متفاوت دارد؛ یکی هیجان مهارنشدنی آن است و دیگری، آن آرامش عمیقی که در آسمان و در پله‌های نزدیک‌تر به خدا می‌یابی. از آن بالا، کوه‌ها، زمین و انسان‌ها را به شکلی دیگر می‌بینی.» او پرواز را نوعی مراقبت از خود می‌داند: «زمانی که به کوهستانی می‌روم و دلم می‌خواهد که پاهایم از زمین جدا شوند، آن لحظه احساس می‌کنم به خدا و به خودم نزدیک‌ترم. آنجا تلاشم این است که از خودم مراقبت کنم؛ هم با لذت بردن از پرواز و هم با تقویت توانایی‌های لازم برای این کار. میل به تجربه پیراوت، من آن را کودک‌دانه و رؤیاهای من و وجود دارم. من آن را آموختم و اکنون بخشی از زندگی روزمره‌ام را به آن اختصاص می‌دهم.»

### پیام‌پایانی: دست‌بوس مردم‌سرزمین

در پایان گفت‌وگو، پرواز همای، از مردم کشورش سپاسگزاری می‌کند: «سپاسگزارم از همه مردم سرزمین که با وجود همه بحران‌هایی که وجود دارد، هیچ وقت سالن‌های کنسرت و موسیقی را خالی نمی‌گذارند و حتی خواننده‌هایی که تازه به عرصه نمایش و اجرا می‌گذارند را حمایت می‌کنند و همیشه پشتیبان هنر بودند و دست‌بوس یکایک‌شان هستم.»

چون هر بیسی که آنجا به صدا درمی‌آمد، انگار یک موشک خورده بود، با توجه به حساسیت‌هایی که مردم روی اتفاقات جنگ داشتند، این اثر گذار بود، از طرفی ولوم و حجم موسیقی خیلی بالا بود. از طرف دیگر، محتوا و اتفاقاتی که در خود کنسرت رخ می‌دهد و فیلم‌هایی که توسط خودشان گرفته و در فضای مجازی منتشر می‌شود و به دست کسانی که منتظرند جلوی موسیقی را بگیرند، می‌رسد.» او به تلاشی که برخی خوانندگان برای وایرال شدن و سر زبان‌ها افتادن بیشتر می‌کنند، اشاره کرده و می‌گوید: «این‌ها همه با هم ترکیب می‌شود و اتفاق را رقم می‌زند و از این رو آن اتفاق منجر به تعطیلی کنسرت‌ها در کاخ نیاوران شد. در صورتی که ما یک کار فاخر با موسیقی ایرانی بدون این حاشیه‌ها، ۵۴ سانس داشتیم اجرا می‌کردیم.»

#### مسئولیت هنرمند

#### حرکت به سوی بدنه موسیقی

همای در پاسخ به مقصر بودن در حواشی کنسرت‌ها، وظیفه هنرمند را یادآور می‌شود: «ا یا یک هنرمند باید تلاش کند با توجه به موقعیت سیاسی اجتماعی زمان خودش، حرکت رو به جلو را جوری تنظیم کند که به بدنه موسیقی و حرمانی که تمام هنرمندان هم‌عصرش می‌کشند برای پیشبرد و کنار زدن محدودیت‌ها، توجه داشته باشد.»

او در مقابل این پرسش می‌افزاید: «با اینکه به خودش فکر کند و انقدر خودخواه باشد که هر واژه‌ای را به زبان بیاورد و هر عملی را مدیریت کند که برای شهرت خودش پیش برود؟» این استنباط اوست از آنچه این روزها شنیده می‌شود.

#### دعوت به بازگشت

#### دیر هنگام و با موانع زیاد

همای درباره دعوت دولت برای بازگشت خوانندگان خارج از کشور مانند معین و سیاوش قمیشی می‌گوید: «گفتن این دعوت خیلی راحت است اما خیلی دیر است.»

او نه تمایلی از سسوی خود هنرمندان برای حضور در ایران می‌بیند و نه بستری فراهم: «پنجا اینطور نیست که اگر ارشاد صلاح ببیند که آقای معین کنسرت بدهد و ارگان‌های دیگر بنشینند تماشا کنند و بگویند بفرما! موسیقی در اینجا صد تا صاحب دارد.»

همای با اشاره به موانع، فقط داخلی نیست: «گیرم تمام ارگان‌ها در ایران آماده پذیرش باشند، آیا فکر می‌کنید رسانه‌های خارج از ایران و همه کسانی که در آنجا سکان اینستاگرام را در دست دارند، اجازه می‌دهند که آن‌ها بیایند و در ایران کنسرت بدهند؟ اصلاً غیرممکن است.»

او به تجربه تلخ حبیب اشاره می‌کند که بازگشتش منجر به شکستن قلب و روحش شد و همچنین خاطر‌های از بیژن مر تصویری را تعریف می‌کند: «بیژن مر تصویری عزیز برای من تعریف کرد دند که حدود دوازده، سیزده سال پیش به ایران آمدند. ایشان تمایل داشتند خانواده خود را پیدا کنند و اگر شرایط مهیا شد، در کشور بمانند و امکان

لهجه اثر می‌گذارد، بر ذهن و هنر نیز تأثیر می‌گذارد: «وقتی موسیقی نواحی، موسیقی رودخانه، باد و باران و صدای پرند‌ها را می‌شنوی، همه اینها نغمه‌هایی است که از کودکی با آنها بزرگ می‌شوی و در روحيات و گفتار اثر می‌گذارد.» او تأکید می‌کند: «قطعا در صدای من یا کسانی که از خطه شمال آواز می‌خوانند، آن بوی خاک، بوی باران، بوی نغمه‌های شمالی و رنگ و بوی آن صداها ناخودآگاه در لحن‌شان وجود دارد.»

#### نقد

#### سازنده در دستان تخصصی، مغرب در فضای مجازی

همای نقد را امری دوجبهی می‌داند: «نقد می‌تواند سازنده باشد، می‌تواند کاملاً مغرب باشد. فقط بستگی دارد که نقد را چه کسی انجام می‌دهد.» او ملاک پذیرش نقد را قابلیت فنی منتقد می‌داند: «اگر آقای افتخاری از نوع خوانندمن نقد کند، از او می‌پذیرم. اما اگر کسی نقد کند که قابلیت فنی نداشته باشد و خودش نتواند کاری که می‌گوید را انجام دهد، آن نقد را از او نمی‌پذیرم.»

همای نقد مخرب را به فضای امروز جامعه پیوند می‌زند: «این روزها فضای مجازی باعث شده که دسترسی به موسیقی راحت‌تر باشد. در جامعه‌ای که بدگویی نقل مجلس و تمسخر هنرمندان گل سرسبد فضای مجازی است، اگر کسی بدون صلاحیت فنی به نقد پردازد و وایرال شود، آن می‌شود نقد مخرب.»

#### منوعیت و ممیزی

#### نیاز به تغییر دیدگاه

پرواز همسای که خود تجربه ممنوع‌الکاری داشته، دیدگاه خود را درباره مجوز و ممیزی‌ها بیان می‌کند: «من با بخش گرفتن مجوز هیچ مشکلی ندارم اما با آن بخشی که یکسری ممیزی‌ها اعمالند، سخت‌گیرانه، سلیقه‌ای و زاویه‌دار پیش می‌رود، مخالفم.» او معتقد است: «بالاخره با توجه به موقعیت اجتماعی روز، ممیزی‌ها هم باید کم‌کم تغییر پیدا کنند. باید با دل روشن‌تر به مسائل هنری نگاه کنند و مسائل شخصی، مذهبی و سیاسی را اعمال نکنند.»

#### موسیقی‌رپ

#### دیر یا زود با مضمونی رندانه

همای درباره بحث داغ مجوز کنسرت برای خوانندگان رپ می‌گوید: «به نظر من اگر کسی موسیقی رپی ارائه بدهد که با توجه به ماهیت آن، انتقاد در آن باشد و غرض تفکرات کف خیابان در صدا و اشعارش باشد اما به بدنه مشکلات سیاسی و اجتماعی دامن نزند، فکر نمی‌کنم با او مشکل داشته باشند.» او محتوا را نکته‌ای کلیدی می‌داند و می‌افزاید: «به نظر من دیر یا زود این موسیقی اجازه فعالیت خواهد گرفت اما با چه مضامینی؟ اگر خواننده‌های خیلی مطرح رپ بخواهند با محتوای سیاسی فعالیت کنند، قطعا در ایران به آنها اجازه فعالیت نمی‌دهند.»

#### حواشی نیاوران و تعطیلی کنسرت‌ها

#### ترکیبی از عوامل

این هنرمند به تعطیلی کنسرت‌ها در کاخ نیاوران که خود نیز با اجرای اپرا در آنجا حضور داشت، اشاره می‌کند و دلایل آن را ترکیبی از چند عامل می‌داند: «بدون شک دلیل اولش اعتراضات مردمی است؛



اینجا ببینید



گفت‌وگوی ویژه «هفت صبح»

با پرواز همای، خواننده و آهنگساز

# موسیقی در ایران صد‌ها صاحب دارد

- او درباره ممیزی‌ها می‌گوید که باید با زمانه پیش بروند و از نگاه سلیقه‌ای و محدودکننده به هنر فاصله بگیرند
- دعوت از خوانندگان خارج از کشور مانند معین و سیاوش قمیشی خیلی دیر است. این طور هم نیست که اگر ارشاد صلاح ببیند، ارگان‌های دیگر بگویند بفرما

پرواز همای، هنرمندی که نامش پیوند خورده با اجراهای متفاوت و موسیقی‌ای که ریشه در سنت دارد اما نگاهش به جامعه امروز است، میهمان گروه فرهنگ و هنر روزنامه هفت صبح بود. این گفت‌وگو فرصتی شد تا همای از موسیقی‌اش، تجربه‌های اپرای‌اش و دیدگاهش نسبت به فضای موسیقی و هنرمندان در ایران و جهان بگوید.



الهه کاکایی  
هفت صبح

#### تغییر رنگ و بوی موسیقی از سنت تا اجتماع امروز

همای در پاسخ به پرسش درباره سبک موسیقی‌اش، با تمرکز بر سیر تحول آن، توضیح می‌دهد: «اگر بخواهیم موسیقی‌ام را نام‌گذاری کنیم، باید بگویم موسیقی‌ای است که با سازهای ایرانی و بر مدار ردیف‌های موسیقی سنتی می‌چرخد. در گذشته به این سبک، موسیقی سنتی می‌گفتند.» او تأکید می‌کند که با گذشت زمان، این تعریف دچار تغییر شده است: «وقتی امروز این موسیقی را اجرا می‌کنیم، با توجه به حال و روحيات مردمان امروز، به ویژه دیدگاه‌های اجتماعی و فشارهای متفاوت اجتماعی، رنگ و بوی موسیقی عوض می‌شود. ما هم در نوشتن موسیقی به تبع این تغییرات، عوض می‌شویم. مطمئناً در آینده به موسیقی نسل ما نیز موسیقی سنتی خواهند گفت.»

#### اپرا و پیوندش هنر

#### نمایش در خدمت موسیقی

پرواز همای با اشاره به اجرای دو اپرا، از جمله اپرای «شیدا»، به ضرورت حضور نمایش در موسیقی امروز می‌پردازد. او معتقد است

### پرونده داغ موسیقی در اهواز

## کنسرت برای بعضی مجاز است برای بعضی به صلاح نیست

#### گروه فرهنگ و هنر | اهواز، شهری که گرمایش مثل

تاریخش سوزان است، این روزها صحنه دو اجرای موسیقایی با دو سرنوشت متفاوت شده؛ صحنه‌ای که در یک سویش علیرضا قربانی از اول آبان با ارکسترش روی استیج می‌رود و در سوی دیگری، عرفان طهماسبی از همان استیج یازمی‌گردد؛ بدون آنکه حتی صدایی از سازهایش به گوش برسد، تناقضی عجیب و آشنا که انگار از دفتر چه روزمره فرهنگ این سرزمین جدا نمی‌شود. درحالی که تبلیغات رسمی کنسرت علیرضا قربانی در روزن‌شگاه غدیر اهواز از مدت‌ها پیش آغاز شده و بلیت‌فروشی آن رونق گرفته، عرفان طهماسبی، خواننده جوان و اهل همین خاک، با اطلاعیه لغو کنسرتش روبه‌رو شد. او در صفحه شخصی خود نوشت: «این حجم از تبعیض و رفتار سلیقه‌ای دیگر قابل تحمل نیست. بیش از یک سال از آغاز اجراهای ما گذشته و در این مدت، بارها و بارها پیشنهادها و درخواست‌های مختلفی –چه برای اجراهای رایگان و چه غیررایگان – از سوی ما به مسئولان مربوطه ارائه شده اما مسئولان خوزستانی و شاید فرااستانی، همواره مسیر را با سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی بسته‌اند.»

و در بخش دیگری تأکید کرد:

«وقتی صحبت از اجرای ما در سالن‌ها



تصمیم‌های سلیقه‌ای شوند. همان مردم که امشب با شور برای علیرضا قربانی دست می‌زنند، چند روز پیش آماده بودند برای عرفان طهماسبی هم همین کار را بکنند.

وقتی در یک شهر، صدای سازها گزینشی شنیده می‌شود، عدالت فرهنگی بی‌صدا از صحنه بیرون می‌رود. این نابرابری، خطرناک‌تر از هر لغو و توقیفی است، چون به تدریج حس «بی‌فایده بودن تلاش» را در دل نسل جوان می‌کند؛ و جامعه‌ای که هنرمندانش امید خود را از دست بدهند، صدایش خاموش خواهد شد. شاید وقت آن رسیده باشد که مدیران فرهنگی با شفافیت پاسخ دهند: چرا در شهری که شش شب کنسرت برگزار می‌شود، اجرای دیگر به «صلاح» نیست؟ چرا برای یک خواننده، روزشگاه غدیر امن و مناسب است، اما برای دیگری نه؟ مردم خوزستانی که سال‌ها سست سختی دیده‌اند، دست‌کم حق دارند عدالت را در صدای موسیقی بشنوند.

در پایان، سؤال همچنان پابرجاست: در سرزمینی که همه از عدالت فرهنگی حرف می‌زنند، چرا ساز عدالت هنوز کوک نشده است؟



طهماسبی «تامن» و «تامنااسب» تلقی شد. این تضاد، تصویری گویا از وضعیت سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران است؛ جایی که قانون وجود دارد اما اجرا ندارد؛ و عدالت فرهنگی در حد شعار باقی مانده است. اهواز در این میان، تنها نمونه‌ای از پازلی بزرگ‌تر است. کافی است کمی به عقب برگردیم تا فاهرستی از کنسرت‌های لغوشده را مرور کنیم؛ از پوشه‌رو و بندرعباس گرفته تا سسندج و مشهد. همیشه در پایان ماجرا، «مصلحت» در برابر موسیقی پیروز می‌شود.

نکته تأسفبار اینجاست که هر بار چنین اتفاقی می‌افتد، هیچ مقام مسئولی حاضر نیست توضیح روشنی بدهد. سکوت، پاسخ دائمی به پرسش هنرمندان و مردم است. در حالی که جامعه هنری بارها خواسته شفاف بداند چرا یک کنسرت لغو می‌شود، پاسخی جز جمله‌های کلیشه‌ای نشنیده است. و همین بی‌پاسخی، ریشه بی‌اعتمادی عمومی است.

اهواز ظرفیت بزرگی برای میزبانی موسیقی دارد. مردمی که با وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی، همچنان برای هنر بلیت می‌خرند، ثابت کرده‌اند که فرهنگ برایشان زنده است. آنها سزاوار این نیستند که قربانی

رسمی فعالیت می‌کنند؟ پس چه چیزی یکی را شایسته صحنه می‌داند و دیگری را نه؟ واقعیت این است که ماجرای طهماسبی، فقط لغو یک کنسرت نیست؛ تکرار یک الگوی پرسوده در سیاست فرهنگی است. الگویی که بر اساس شفافیت و قانون عمل نمی‌کند، تابع تفسیرها، برداشت‌ها و گاهی روابط شخصی است. در این فضا، هنرمند نمی‌داند باید به چه نهادی اعتماد کند. مجوزی که امروز معتبر است، فردا با یک تماس یا «توصیه» بی اعتبار می‌شود. موسیقی در ایران بیش از آنکه هنر باشد، آزمونی برای صبر است. مجوز گرفتن برای اجرا گاهی از مجوز ساختن پالایشگاه اقدام کند و وقتی مسیر صدور مجوز روشن نیست؟

این چند جمله بیش از هر تحلیل دیگری، وضعیت موسیقی در استان‌های جنوبی را روشن می‌کند؛ جایی که گاهی صدا پیش از پخش شدن، سانسور می‌شود. عرفان طهماسبی با لحنی تلخ و صادقانه از «سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی» حرف می‌زند و درست در همان روزها، علیرضا قربانی با ارکسترش آماده است تا شش شب پیاپی در همان شهر روی صحنه برود. سؤال ساده است: چرا در یک شهر، برای دو هنرمند با شرایط مشابه، دو تصمیم متفاوت گرفته می‌شود؟ مگر نه اینکه هر دو در چارچوب

لغو کنسرت  
عرفان طهماسبی  
در اهواز در حالی که  
علیرضا قربانی  
برگزار می‌شود، نشانه‌ای  
از تبعیض و بی‌عدالتی  
فرهنگی است

**حمیده عبدالحی**  
هفت صبح

طی سه چهار سال گذشته، مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی که گفته می‌شد با هدف کاهش استرس و تقویت نقش سوابق تحصیلی تصویب شده است، بارها دستخوش تغییر شده است؛ از حذف پایه دهم و درس عمومی گرفته تا بازگشت بسه برگزاری تک‌نوبتی. در عین حال یک روز عضو شورای عالی فرهنگی صحبت قطعی بودن اعمال شرط معدل در کنکور می‌کند و روزی دیگر معاون وزیر علوم می‌گوید که به هر حال باید براساس قانون کنکور حذف حاف و اصلاحات پی‌درپی‌ای که بیش از اینکه بتواند گره کور چند ده ساله کنکور را باز کند، داوطلبان را در بلاتکلیفی و سرگردانی نگاه داشته است.

#### ❖ بلاتکلیفی کنکور و معدل

سیاست‌های جدید سنجش و پذیرش دانشجو توسط شورای انقلاب فرهنگی در تیرماه ۱۴۰۱ سال رسماً ابلاغ شد. بر اساس این مصوبه قرار بود درس عمومی از آزمون سراسری حذف شود و سوالات آزمون فقط به درس تخصصی هر رشته محدود شود. همچنین سهم سوابق تحصیلی در نمره کل داوطلبان به صورت تدریجی افزایش یابد تا به سقف ۶۰ درصد برسد. از دیگر محورهای مطرح شده در این مصوبه می‌توان به دو نکته شدن برگزاری کنکور برای کاهش اضطراب داوطلبان و ایجاد فرصت مجدد و همچنین تأکید بر قطعی بودن تأثیر معدل، به‌ویژه در پایه‌های پایانی دبیرستان اشاره کرد. با این حال این مصوبه منتقدانی داشت که به شدت آن را مخرب می‌دانستند و خواستار لغو یا به تعویق افتادن آن بودند گرچه در دست رد زمانی که فعالان آموزشی و خانواده‌ها برای اصلاح این مصوبه یا به تعویق انداختن آن و یا حذف کنکور تلاش می‌کردند، عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، هشتم خردادماه سال گذشته تأکید کرد که مصوبه کنکور قطعی است و در سال‌های بعد هم اجرا می‌شود: «ما آمادگی تکمیل مصوبه را داریم، اما اینکه دخالت معدل نمرات لغو شود، این حتماً اتفاق نمی‌افتد و اصل مصوبه تغییر پیدا نخواهد کرد.»

از سویی همین چند روز قبل ابوالفضل واحدی معاون آموزشی وزارت علوم نیز اعلام کرد که؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم، حذف کامل کنکور مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است! وی البته اشاره‌ای به آسیب‌های کنونی برگزاری کنکور و دلایلی که باعث شده تا هنوز این آزمون حذف نشود نداشت. گفته است: «به هر حال برگزاری آزمون در یک زمان کوتاه ممکن است نتواند به شکل کامل و جامع مالک خوبی برای ارزشیابی باشد؛ ضمن اینکه شرایط نامناسبی نظیر استرس و اضطراب را برای داوطلبان ایجاد می‌کند که داوطلب نمی‌تواند به خوبی عملکرد علمی خود را نشان دهد.»

استدلال واحدی برای اصرار به برگزاری کنکور و حذف نشدن آن هم در نوع خود جالب است. وی در این خصوص گفته است: «باید این واقعیت را بپذیریم که ما یک سری صندلی و رشته‌هایی در دانشگاه‌ها داریم که متقاضی برای ورود به آن‌ها زیاد است. ما برای اینکه این صندلی‌ها را با رعایت عدالت توزیع کنیم، ناچاریم ابزاری را برای سنجش دانشه باشیم و در حال حاضر این ابزار همان برگزاری کنکور است؛ تا زمانی که

## گزارش ۲

برخی معتقدند که جایگاه پیش‌دستانی باید «اختیاری و کیفی» باشد، نه «اجباری و کمی». با این حال مردم ماه امسال احسان عظیمی‌راد سخنگوی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی خبر از تصویب طرح «تقویت نظام آموزش و پرورش» داد. طرحی که براساس ماده (۱۱) آن، سن لازم برای ورود به آموزش رسمی از ۶ سال به ۵ سال کاهش پیدا می‌کند و دوره پیش‌دستانی در این سن به‌صورت اجباری برگزار خواهد شد. به این ترتیب، نظام آموزشی کشور که هم‌اکنون به شکل «۳-۶» اجرا می‌شود، به تدریج به ساختار «۳-۵-۱» تغییر خواهد یافت و در عوض یکسال زودتر تحصیلات به اتمام می‌رسد. در این میان وزارت آموزش و پرورش موظف است زیرساخت‌های لازم را برای این اقدام فراهم کند. با این وجود، این طرح که بخشی از تلاش‌های وزارت آموزش و پرورش برای گسترش پوشش آموزشی و همسو کردن نظام تعلیم و تربیت کشور با استانداردهای بین‌المللی است، همچنان در مجلس مسکوت مانده است.

#### ❖ نقدهایی بر تغییر ساختار آموزش

با این حال این طرح با مخالفت‌هایی از سوی کارشناسان و حتی خود بدنه آموزش و پرورش همراه بوده و هست. برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس هم نگرانی‌هایی درباره زیرساخت‌های ناا کافی، کمبود معلمان آموزش‌دیده، هزینه‌های مالی بر دوش خانواده‌ها، به‌ویژه در مناطق محروم و همچنین ماهیت آموزشی مناسب برای کودکان بیش از سن دبستان مطرح کرده‌اند. همچنین گروهی از منتقدان مدعی‌اند به دلیل حاکمیتی بودن امر آموزش و پرورش، خط‌مشی‌گذاری‌ها باید در اختیار دولت باقی بماند، املاً ارائه خدمات می‌تواند به صورت ترکیبی با مشارکت بخش غیردولتی، نهادهای محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شود. وضعیت موجود نشان می‌دهد پوشش پیش‌دستانی توسط بخش

### جامعه

| روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۴۱۸۰ | پنجشنبه | ۱۳ آبان | ۱۴۰۲ |

باوجود گذشت ۴سال از تصویب مصوبه جدید کنکور، تغییرات پی‌درپی آن موجب سرگردانی داوطلبان شده است

# کنکور آزمون‌گاه سیاست‌گذاری

**حذف دروس عمومی، افزایش تأثیر معدل و وعده عدالت**

**فشار روانی دانش آموزان را چندبرابر کرده است**

نانونیم صندلی‌های پرتقاضا را عادلانه تقسیم کنیم، حذف کنکور فقط یک شعار باقی می‌ماند. باید الزام ارائه سوابق تحصیلی پایه یازدهم برای پشت‌کنکوری‌ها لغو شود، فشار بیش از حد شده است.»

وقتی کسی از درون سیستم می‌گوید فشار زیاد شده، یعنی بحران از مرز هشدار هم عبور کرده و این بار نه فقط کنکور، بلکه معدل هم تبدیل به یک چرخ‌دنده دیگر در دستگاه فراسیاهی استرس شده است.

#### ❖ آشننگی تصمیمات کنکوری

در عین حال، در چهارسال گذشته، شورای عالی انقلاب فرهنگی چنان با ساختار کنکور بازی کرده که انگار بزرگ‌ترین آزمون کشور، آزمایشگاهی برای آزمون و خطاست. نتیجه تمام این دستکاری‌های پیاپی یک چیز بوده: آشفتگی و سردرگمی مزمن در برنامه‌ریزی تحصیلی نسل نوجوان. اظهارات متناقض در مورد حذف کنکور یا اعمال تأثیر معدل اعضای شورای انقلاب فرهنگی نیز طی این مدت بیشتر به شعله اظهارات دامن‌زده است. حدود یک ماه قبل، ابراهیم سوزنچی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در توتیتی که شهرپور ماه‌زد آب پاکی را روی دست طرفداران حذف تأثیر معدل از کنکور ریخت، وی در این توتیت نوشت: تأثیر قطعی معدل از کنکور حذف نخواهد شد. جمله‌ای که نشان می‌داد قرار نیست کنکور «حذف» شود.

اما جالب اینجاست که چند روز بعد دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با لحنی محتاط و البته سرشار از ابهام رسماً اعلام کرد: مصوبه حذف کنکور سر جایش است، اما شرایط فعلی اجازه اجرای آن را نمی‌دهد. بدین ترتیب به گفته وی بالاخره عمر «کنکور» به ایسن دنیا نخواهد بود و چه بسا همین سال بعد، با یک مصوبه دیگر، کاملاً «حذف» شود! معنای این اظهار نظر‌ها برای

معدل را جدی بگیرند؟



اجباری شدن «پیش‌دستانی» چالش جدید سیستم آموزش

## کلاس اول، یک‌سال زودتر از همیشه

غیردولتی بیشتر از بخش دولتی است لذا ضرورت دارد که دولت تعهدات خود را، به‌ویژه در مناطق محروم به گونه‌ای هدفمند و با جدیت بیشتر مورد توجه قرار دهد تا نقش و سهم دولت در پوشش پیش‌دستانی محقق شود. از سویی، بخشی دیگر از منتقدان این طرح

#### ❖ چند پیشنهاد کارشناسانه

طبق پژوهش انجام شده و دیدگاه کارشناسان، برای اجباری شدن بحث پیش‌دستانی باید به برخی از موارد توجه شود. به عنوان مثال از آنجایی که نظام آموزشی ایران هنوز از تبعات تغییر ساختار ۶-۳-۳-۲ رهایی نیافته‌است، تصمیم برای تغییر دوره‌ها به مدل ۵-۱-۳-۲ بدون اجرای آزمایشی می‌تواند باعث بی‌ثباتی نهادی و سردرگمی ذی‌نفعان (دانش آموزان، والدین و معلمان) شود. بنابراین اجرای هر گونه تغییر ساختار صرفاً باید پس از آزمایش میدانی در چند استان منتخب و ارزیابی علمی پیامدها و انجام اصلاحات مورد نیاز سپس تعمیم در سطح ملی صورت گیرد. از سویی نباید از یاد برد که مسئله توسعه و اجباری شدن دوره پیش‌دستانی از نظر ماهیت و هدف، مستقل از تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی است. گسترش پوشش پیش‌دستانی، به‌ویژه در مناطق محروم، هدفی اجتماعی و تربیتی است و نیازی به تغییر کل ساختار در نظام آموزش و پرورش ندارد. در هم آمیختن راه‌حل‌های این دو مسئله، خطر تداخل اهداف و ناکارآمدی اجرای

را در پی دارد. به همین دلیل بهتر است

دوره‌های رشد و الزامات آن در بستر

آموزش و پرورش ایران با تنوع اقلیمی

و فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. از

دانش آموزانی که در خانواده‌های کم‌برخوردار و یا در نقاط محروم و روستاها زندگی می‌کردند، نمی‌توانستند از این امکانات استفاده کنند و در رقابت با سایرین عقب می‌مانند. اما حالا نیز همین تبعیض به نوع دیگری وجود دارد. یعنی دانش آموزانی که در مدارس غیردولتی و خصوصی درس می‌خوانند و یا معلم خصوصی می‌گیرند و معدل بالاتری دارند، می‌توانند در رشته‌های بهتری قبول شوند. یعنی عملاً این فلسفه شکست خورده است! البته ابراهیمیان براین باور است که حذف کنکور نیز در شرایط کنونی راهکار مناسبی نیست چرا که جایگزین دیگری برای آن وجود ندارد!

#### ❖ تصمیماتی بدون در نظر گرفتن تبعات آن‌ها

اما همانطور که گفته شد، تغییرات متعدد قوانین کنکور، تبعات زیادی را برای دانش آموزانی که از خصوصی برای خود غولی ساخته‌اند به همراه دارد. وی درباره رویه متناقض شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد کنکور می‌گوید: در چهار - ایجاد نکرده، بلکه انگیزه و تمرکز نسل نوجوان را تحلیل برده است.

این کارشناس آموزشی در بخش دیگری از سخنان خود به رویه کنونی برگزاری کنکور یعنی شیوه تأثیر شرط معدل در این آزمون اشاره کرده و می‌گوید: آخرین تغییرات این مصوبه مانند آن است که بگویم ما کنکور سرنوشت ساز ۴ساعته ۲ ساله کرده‌ایم. یعنی اگر قبلاً فشار برای قبولی در کنکور فقط در سال چهارم دبیرستان بود در حقیقت نظام سنجش ما تبدیل به آزماده‌سازی کنکورش را در ۴ ساعت آزمون به نمایش می‌گذاشت، الان این فشار روحی و فیزیکی به ۲ سال افزایش پیدا کرده است. به زبان ساده در این شیو ما خانواده‌ها را در دو - سه سال آخر تحصیل، تحت شکنجه‌های روحی و روانی بالایی قرار می‌دهیم تا فرزندشان معدل بالایی بیابود، که تبعات آن واقعاً جبران ناپذیر است. همین مسئله باعث شده تا بسیاری از دانش آموزان ما، از همان سال اول دوران متوسطه رسماً اعلام کنند که نمی‌خواهند در کنکور شرکت کنند یا اینکه تصمیم دارند تا در رشته‌های بدون کنکور یا رشته‌های علمی - کاربردی ادامه تحصیل دهند!

#### ❖ وقتی که عدالت هنوز یک رویاست

به گفته متولیان برگزاری کنکور، فلسفه تصویب این مصوبه، برقراری «عدالت آموزشی» بوده و هست. با این حال ابراهیمیان این فلسفه را نیز شکست خورده می‌داند و می‌گوید: کسانی‌که مصوبات جدید را تصویب کرده‌اند مدعی‌اند که در روش قدیمی، هر دانش آموزی که پول بیشتری داشت، می‌توانست با استفاده از شرکت در کلاس‌های کنکور و کتاب‌های تست زنی، خودش را برای این رقابت آماده کند، این در حالی است که بسیاری از

شود. در عین حال شاید مناسب‌ترین گزینه در شرایط کنونی این باشد که روی مدارس دولتی سرمایه‌گذاری کنیم. باید معلمان آموزش کافی ببینند تا سسر کلاس‌ها به بهترین‌نحو ممکن دروس را به دانش آموزان خود یاد بدهند. ابراهیمیان می‌گوید: حذف کنکور یا تأثیر معدل، هر دو قابل بحث‌اند اما غیرقابل قبول است که نظام آموزشی به دستگاه تولید استرس تبدیل شود. آینده یک نسل با آزمون ساخته نمی‌شود، بلکه با اعتماد ساخته می‌شود و ما در حال از دست دادن همین سرمایه نامرئی هستیم.

## روزهای سپری‌شده تئاتر نصر پس از یک قرن ناملایمت و آتش

### زن سنگی چنگ‌به‌دست

## آخرین یادگار سالن نمایش باقراق



#### الهه باقری سنجری

هفت صبح

محال است حرف از دوره قاجار و معماری آن شود، در فهرست بلندبالای بناها، نام گراند هتل در ذهنمان نقش نبندد. هتل مجلی که در اواخر دوره قاجار به دست «قاسیدنصراله» معروف به «باقراق» راهاندازی شده بود. همان عمارتی که چراغ یکی از اولین سالن‌های تئاتر ایران هم، در اتاق‌هایش روشن شد و پای هنرمندان بسیاری به لاله‌زار باز شد. این هتل، در سال ۱۲۶۶ افتتاح شد و ۲۹ سال بعد، یعنی ۱۲۹۴، صدای نخستین اجرای نمایش، در سالن آن به پا خواست؛ سالن باقراق، همان سالنی که نصراله باقراق، در قسمت جنوبی گراند هتل، برای اجرای نمایش بنا کرد و آثاری از گروه کمدی ایران به مدیریت سیدعلی‌خان نصر با گروه‌ها و هنرمندان ارمنی، میرزاده عشقی، حسن مقدم در آن روی صحنه رفت. نصر برای آموختن تئاتر به اروپا رفته بود و پس از بازگشت از این سفر، در سال ۱۳۰۴، کمدی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. به سالن تئاتر باقراق، که به نام سالن تئاتر گراند هتل هم شناخته می‌شد، برگردیم. در حوالی همان سال‌های آغاز راهاندازی این سالن تئاتر، تغییرات جدیدی در این هتل و سالن شکل گرفت و با این تغییرات در فضا و چینش صندلی‌ها، نمایش فیلم هم به فعالیت‌های آن اضافه شد؛ سالن جدید، سالنی بیضی‌شکل بود با غرفه‌هایی که تماشاگران در آن، سه یا چهار نفری نشسته فیلم می‌دیدند. این شکل، خیلی سریع مورد اقبال اعیان، اشراف، هنرمندان، اتباع خارجی و عموم مردم قرار گرفت. این تغییرات تا جایی پیش رفت که در سال ۱۳۰۷، سینمایی گراند هتل برای بانوان هم اجراء شد. رفته‌رفته نمایش فیلم، به روندی ثابت در این تماشاخانه تبدیل شد و عملاً اجرای نمایش از سال ۱۳۰۹، در برنامه‌های سالن گراند هتل کمرنگ یا حذف شد. در این سال‌ها، نصر برای اعتلا و بسط تئاتر در ایران، تلاش‌های بسیاری می‌کرد و همین تلاش‌ها او را به پدر تئاتر ایران مشهور کرد. یکی از اقدامات ماندگار او، تأسیس هنرستان هنرپیشگی در سال ۱۳۱۸ بود. هنرستانی که توجه نصر را بیشتر از گذشته به سالن نمایش باقراق جلب کرد.

#### ❖ تماشاخانه تهران، مهمان جدید آقا سیدنصراله

«ناصر حبیبیان» و «محیا آقا حسینی» در کتاب «تماشاخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹» نوشته‌اند: «بعد از آغاز کار هنرستان هنرپیشگی، از اول دی ۱۳۱۹ شمسی، این تالار توسط سیدعلی‌خان نصر، عنایت‌الله شبیانی و احمد دهقان که سهام‌داران آن بودند، با اجاره‌های ماهانه ۳۰۰ تومان و اجاره‌نامه رسمی به نام «تماشاخانه تهران» افتتاح شد و بعد از مرمت سالن، اغلب شاگردان هنرستان هنرپیشگی در این تالار شروع به فعالیت کردند.» آن‌طور که در نوشته‌ها آمده، نصر پس از مناسب‌سازی، در دهم مهر ۱۳۲۰، تماشاخانه دائمی تهران را مورد بهره‌برداری قرار داد و در سال ۱۳۲۱، با تحریب غرفه‌ها سالن نمایش را به‌صورت یک سالن یکپارچه مستطیلی شکل درآورد. بنابراین آنچه از معماری سالن تئاتر تهران به جا مانده، مربوط به تغییراتی می‌شود که نصر در آن ایجاد کرده‌است. نمای خارجی این سالن، ترکیبی از معماری ایرانی و مدرن بود که در فضای خیابان لاله‌زار، به‌شدت جلب توجه می‌کرد. این طراحی، جذابیت خاصی به پا نده بود. سالن نمایش هم به گونه‌ای طراحی شده بود که تمامی تماشاگران از هر نقطه‌نظر، دید مناسب و کافی به صحنه اجرا داشتند. همچنین طراحی اکوستیک خاص سالن، توجه ویژه به نورپردازی و سیستم صوتی این سالن، محیطی ایده‌آل برای تئاتر و هنرهای نمایشی فراهم کرده بود. یکی از ویژگی‌های منحصر به‌فرد تئاتر نصر، سقف تزیین‌شده با دکلوراسیون داخلی آن است. طراحی داخلی سالن، به گونه‌ای بود که بسا توجه به فضای تاریخی‌اش، همچنان حس نوآوری و مدرن‌بودن را منتقل می‌کند.

#### ❖ سالنی ۵۰۰ نفره در اختیار تئاتر ایران

بعد از مدتی امتیاز تماشاخانه به‌خاطر مشغله‌های دولتی نصر، به احمد دهقان واگذار شد که نماینده مجلس و مدیر مجله تهران مصور بود. این تماشاخانه که ظرفیت تقریبی ۶۰۰ تماشاگر را داشت، آرام‌آرام از انحصار هنرجویان هنرستان بیرون آمد و مورد استفاده گروه‌های آزاد هم قرار گرفت. این روند ادامه داشت تا اینکه در تابستان سال ۱۳۲۹ احمد دهقان ترور شد و بعد از مرگ او، به پاس خدماتش نام تماشاخانه هم به «دهقان» تغییر کرد. این تماشاخانه، پس از سال ۱۳۲۷، دچار آسیب و چندین بار آتش‌سوزی شد. خسارت آخرین آتش‌سوزی آن جدی بود و روند بازسازی، تا سال ۱۳۴۱ طول کشید. هنوز بازسازی به پایان نرسیده بود که در سال ۱۳۴۰، سیدعلی نصر فوت کرد و پس از بازسازی، به پاس خدمات ارزنده او، این سالن با نام «تئاتر نصر» بازگشایی شد. این تالار، پس از فعالیت مجدد، تا سال ۱۳۵۷، میزبان هنرمندان بزرگی بود تا اینکه طی حوادث انقلاب دوباره در آتش سوخت.

#### ❖ اثری ملی ثبت‌شده در انتظار سامان

بعد از انقلاب و از حوالی سال ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، تئاتر نصر به نفع کمیته امداد امام خمینی، مصادر شد. اما در بهمن ۱۳۶۶، واحد فرهنگی جهاد دانشگاهی، این سالن را اجاره کرد و با ریزینی‌های علی منتظری که در آن زمان مدیر مرکز هنرهای نمایشی بود، بازسازی و احیا شد. بعدها دوباره اختلاف میان جهاد دانشگاهی و کمیته امداد بالا گرفت؛ دعوایی که چند سال به طول انجامید. حتی پس از سرو سامان گرفتن سالن، مالک اصلی یعنی همان کمیته امداد، در سال ۱۳۸۱، تصمیم به فروش ساختمان به مبلغ ۵هیلیارد تومان و تبدیل آن به پارکینگ را داشت که در همان سال، تلاش‌ها برای ثبت ملی این بنا به نتیجه رسید و در تاریخ هفتم مهر ۱۳۸۱، با شماره ۶۵۲۹۹، به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران، به ثبت رسید. از سال ۱۳۸۴ هم، طرح راهاندازی موزه تئاتر در این مکان، در فرهنگستان هنر مطرح شد و اول شهریور ۱۳۸۶، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیر کل هنرهای نمایشی خبر از بازسازی و اختصاص تئاتر نصر به موزه ملی تئاتر ایران دادند. سرانجام، با امضای قرارداد و آغازی و خرید تئاتر نصر توسط شهرداری تهران با مبلغی حدود ۶ میلیارد تومان، بازسازی و اجرای مقدمات برای راهاندازی موزه تئاتر در این ساختمان، به جریان افتاد. اما همچنان، این بنا، در انتظار تبدیل شدن به موزه است. بنایی که در خیابان لاله‌زار، رویه‌روی کوچه پوشه‌ری، هنوز زن چنگ‌به‌دست را بر سر در متروک خود نگه داشته تا صدای سپری‌شده هنر ایران باشد.



این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

این جا بختی

## دلم برای وحید هاشمیان خیلی سوخت

**جمشید شاه‌محمدی: فیلم دلالی اوسمار را دیدم**

این دو وجود وقتی بغض وحید هاشمیان در برنامه فوتبال‌تر تر را دیدم دلم گرفت. او ادامه می‌دهد: دلم بدجوری برای وحید هاشمیان سوخت چرا که تحت فشار زیادی قرار گرفته است. از یک طرف مشغول تمرین دادن تیمش است و باید روز جمعه جلوی ذوب‌آهن بازی کند و از طرف دیگر هر روز اخباری درخصوص مذاکره با سسرمربیان خارجی شنیده می‌شود. این بلاتکلیفی و برزخ خیلی بد است و به ضرر پرسپولیس تمام می‌شود.

شاه‌محمدی ضمن اشاره به مذاکره باشگاه پرسپولیس با اوسمار ویرا تصریح می‌کند: من موافق بازگشت برانکو هستم

این دو وقتی بغض وحید هاشمیان در برنامه فوتبال‌تر تر را دیدم دلم گرفت. او ادامه می‌دهد: دلم بدجوری برای وحید هاشمیان سوخت چرا که تحت فشار زیادی قرار گرفته است. از یک طرف مشغول تمرین دادن تیمش است و باید روز جمعه جلوی ذوب‌آهن بازی کند و از طرف دیگر هر روز اخباری درخصوص مذاکره با سسرمربیان خارجی شنیده می‌شود. این بلاتکلیفی و برزخ خیلی بد است و به ضرر پرسپولیس تمام می‌شود.

از جمشید شاه‌محمدی درباره بازی پرسپولیس مقابل ذوب‌آهن می‌پرسیم که پاسخ می‌دهد: من دوست دارم پرسپولیس برنده شود اما اصلا بازی آسانی نیست، ذوب‌آهن اصفهان تیمی است که تیم‌های بزرگی مثل سپاهان اصفهان و استقلال را متوقف کرده و پرسپولیسی‌ها باید مراقب این تیم باشند تا غافلگیر نشوند.



مهاجم اسبق پرسپولیس می‌گوید با دیدن برنامه فوتبال‌تر تر، دلش برای وحید هاشمیان سوخته است. این روزها تیم پرسپولیس و وحید هاشمیان در برزخ عجیبی به‌سر می‌برند. از یک طرف گفته می‌شود سرمربی جوان پرسپولیس دو هفته مهلت گرفته است و از طرف دیگر مدیران بانک شهر (سپانسر اصلی باشگاه پرسپولیس) مشغول مذاکره با گزینه‌های خارجی هستند. در چنین شرایطی جمشید شاه‌محمدی مهاجم اسبق تیم ملی و پرسپولیس به هفت صبح می‌گوید: من هم مثل همه پرسپولیسی‌ها از نتایج تیم در فصل جاری و حتی فصل گذشته راضی نیستم و ناراحتم، با

## حبیب فرعباسی با کلاس شد!

**پشت پرده بازگشت احتمالی بهزاد غلامپور به استقلال**



همین ضعف مشهود و گل‌های بدی که آدان خورد سبب شد حبیب فرعباسی ناگهان باکلاس شده و دروازه‌بان فیکس استقلال شود!

از شوخی گذشته، حبیب فرعباسی توانایی‌های خود را پیش‌تر در ذوب‌آهن اصفهان و ملوان انزلی به خوبی نشان داده بود.

همین سابقه خوب هم استقلال را برای خرید این دروازه‌بان شناخته شده وسوسه کرد اما پرسش اینجاست: چرا مربی یونانی گلرهای استقلال چنین ادعایی درباره شاگرد ایرانی خودش مطرح کرده است؟

سابقه خود جورجیوس اسکیتاتینیس چیست؟

این مربی یونانی در آپول قیرس و راجا کارابلانکا کمک ریکاردو سلاپینتو بوده اما کارنامه خیلی روشنی ندارد!

شاید به همین دلیل هم سلاپینتو برای بازگرداندن بهزاد غلامپور به استقلال وسوسه شده است، شاید!

کند، طبیعتا توسط پلیس دستگیر شده

و ماموران انتظامی نقشی در دستگیری او نخواهند داشت چراکه بعد از اخذ احضار به پای خود به مرجع قضایی مراجعه کرده است. قضات دادگاه کیفری بعد از تحقیقات اولیه در پرونده‌هایی که با موضوع تجاوز مطرح می‌شود، ممکن است تشخیص دهند قرار وثیقه را تشدید کنند یا در صورت صلاحدید قرار وثیقه ابتدایی را به قرار بازداشت تبدیل کنند. و اما در مورد آقای بازیگر ماجرا به این صورت بود که او نیز بدون دستگیر شدن توسط پلیس با پای خود به مرجع قضایی مراجعه کرد. در تحقیقات ابتدایی آقای سوپراستار اتهام خود را قویا انکار کرد و اظهار داشت که شکایت شاکی را قبول ندارد. در این مرحله از تحقیقات، قضات دادگاه قرار وثیقه را به قرار بازداشت تبدیل کرده و تشخیص دادند که متهم تا تکمیل تحقیقات در زندان بماند که متهم و وکلایش به این تبدیل قرار اعتراض کرده‌اند. اگر اعتراضی آنها در تجدید نظر قبول شود، بار دیگر قرار بازداشت به قرار وثیقه تبدیل می‌شود و اگر اعتراض پذیرفته نشود تا زمانی که قضات دادگاه تشخیص دهند در زندان می‌ماند. در نهایت متهم محاکمه شده و بنا بر ادله و مستندات موجود در پرونده برای او رای صادر می‌شود.

همه این روال قضایی به این معنی نیست که تا این لحظه جرم آقای سوپراستار محرز شده یا نشده باشد. وکیل او انجام خواهد شد. در تمامی این مراحل در حالی که متهم هر پرونده‌ای موقع احضار به مرجع قضایی، شخصا حضور پیدا

**نزدیکان آقای بازیگر چه می‌گویند؟**

خبرنگار هفت‌صبح روز گذشته با یکی از نزدیکان آقای بازیگر که در جریان جزئیات پرونده قضایی هم هست، صحبت کرد. این فرد که تمایلی به افشای نامش ندارد، در مورد این پرونده گفت:«در این ماجرا به عنوان یک دوست در کنار هنرمند محبوب کشورمان هستم. هر آنچه تا به حال درباره او در پرونده مطرح شده، اتهاماتی است که اثبات نشده و ما در تلاش هستیم تا مشکل او حل شود. امیدوارم به زودی خبرهای خوبی برای دوستداران او داشته باشیم.» این فرد ادامه داد:«سال‌هاست که این هنرمند را می‌شناسم و با او دوست هستم. در این سال‌ها جز دل‌پاکی چیزی ندیدم. او فردی ساده و خیرخواه است و من شخصا به بی‌گناهی او باور دارم و به زودی همه چیز مشخص خواهد شد.»

قهرمان سابق آسیا که زمانی زمین را با سرویس‌هایش می‌لرزاند، حالا در تخت بیمارستان برای زندگی می‌جنگد

# صابر در کما

**صابر کاظمی، ستاره والیبال ایران در بیمارستان قطر است و به دلیل وضعیت بحرانی انتقال او به تهران ممکن نیست**

محدودیت‌هایی پرواز کند.

بیمارانی نظیر صابر کاظمی که بیماری حاد دارند، باید برای مسافرت هوایی مجوز بگیرند و کسی باید این اجازه را صادر کند، پزشک معالج بیمار نیست.

نهادی که این مجوز را صادر می‌کند، واحد پزشکی هوایی ایرانی است که بیمار قصد دارد با آن سفر کند. این واحد علاوه بر صدور مجوز، مشخص می‌کند بیمار باید با چه شرایط و تسهیلات یا

علاوه بر مجوز ایرلاین هوایی، وسایل پزشکی مخصوص و گرانتیمت بیمارستانی برای این انتقال فراهم نیست و بعید است با توجه به این موضوع و خطراتی که صابر کاظمی را تهدید می‌کند، او را جابه‌جا کنند.

متأسفانه بخشی از مغز صابر کاظمی به دلیل ایست قلبی آسیب دیده و سطح هوشیاری این ستاره والیبال بین ۳ و ۴ و به پایین‌ترین حد ممکن رسیده است.

به امید خدا اگر صابر کاظمی از کما هم خارج شود دیگر امکان ورزش عادی هم نداشته و با والیبال هم باید خداحافظی کند.

لازم به یادآوری است، صابر کاظمی، والیبالست بلندقامت و خوش‌آتیه اهل ایران، با پشت‌کار و استعداد خود از زمین‌های محلی آق‌قلا به تیم ملی والیبال ایران رسید و در رقابت‌های بین‌المللی درخشید.

کاظمی در رقابت‌های قهرمانی آسیا ۲۰۲۱ به عنوان ارزشمندترین بازیکن ( MVP) انتخاب شد و نقش مهمی در قهرمانی ایران داشت. او همچنین سابقه بازی در زراعت بانک انکارا ترکیه را به عنوان یکی از جوان‌ترین لژیونرهای ایرانی در کارنامه خود دارد و با فولاد سیرجان در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا ۲۰۲۱ به قهرمانی رسید.

در پایان برای این ورزشکار خوشنام کشورمان آرزوی بهبودی و سلامتی داریم و از شما خواننده گرامی هم می‌خواهیم برای شفای صابر کاظمی دعا کنید.

برای آنها سخت است.

بیمارانی نظیر صابر کاظمی که بیماری حاد دارند، باید برای مسافرت هوایی مجوز بگیرند و کسی باید این اجازه را صادر کند، پزشک معالج بیمار نیست. نهادی که این مجوز را صادر می‌کند، واحد پزشکی هوایی ایرانی است که بیمار قصد دارد با آن سفر کند. این واحد علاوه بر صدور مجوز، مشخص می‌کند بیمار باید با چه شرایط و تسهیلات یا

علاوه بر مجوز ایرلاین هوایی، وسایل پزشکی مخصوص و گرانتیمت بیمارستانی برای این انتقال فراهم نیست و بعید است با توجه به این موضوع و خطراتی که صابر کاظمی را تهدید می‌کند، او را جابه‌جا کنند.

متأسفانه بخشی از مغز صابر کاظمی به دلیل ایست قلبی آسیب دیده و سطح هوشیاری این ستاره والیبال بین ۳ و ۴ و به پایین‌ترین حد ممکن رسیده است.

به امید خدا اگر صابر کاظمی از کما هم خارج شود دیگر امکان ورزش عادی هم نداشته و با والیبال هم باید خداحافظی کند.

لازم به یادآوری است، صابر کاظمی، والیبالست بلندقامت و خوش‌آتیه اهل ایران، با پشت‌کار و استعداد خود از زمین‌های محلی آق‌قلا به تیم ملی والیبال ایران رسید و در رقابت‌های بین‌المللی درخشید.

کاظمی در رقابت‌های قهرمانی آسیا ۲۰۲۱ به عنوان ارزشمندترین بازیکن ( MVP) انتخاب شد و نقش مهمی در قهرمانی ایران داشت. او همچنین سابقه بازی در زراعت بانک انکارا ترکیه را به عنوان یکی از جوان‌ترین لژیونرهای ایرانی در کارنامه خود دارد و با فولاد سیرجان در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا ۲۰۲۱ به قهرمانی رسید.

در پایان برای این ورزشکار خوشنام کشورمان آرزوی بهبودی و سلامتی داریم و از شما خواننده گرامی هم می‌خواهیم برای شفای صابر کاظمی دعا کنید.



«بنابر گفته پزشک معالج صابر کاظمی در قطر، او دیگر قادر نیست والیبال بازی کند.» این خبری است که امیر خوش‌خبر سرپرست کاربلد و خوش اخلاق تیم ملی والیبال کشورمان در اختیار هفت‌صبح گذاشت. در دنیای ورزش، بازیکنان و ورزشکاران زیادی را می‌شناسیم که به دلیل مصدومیت شدید ناچار شده‌اند ورزش حرفه‌ای را کنار بگذارند.

هر ورزشکاری ممکن است به خاطر آسیب دیدگی مدتی از میادین دور باشد. گاهی اوقات این زمان طولانی می‌شود و یک فصل یا یک تورنمنت از دست می‌رود. حتی ممکن است شدت و تعدد آسیب‌دیدگی بازیکنان به حدی برسد که برای حفظ سلامتی مجبور به خداحافظی از جهان ورزش شوند. این اتفاق برای ستاره‌های والیبال نیز رخ داده اما کمتر سابقه داشته که یک والیبالست مشهور به خاطر بیماری مجبور شود برای همیشه با رشته محبوب خودش خداحافظی کند.

صابر کاظمی ستاره مطرح والیبال کشورمان اما هنوز در بیمارستانی در قطر بستری و ظاهرا انتقال او به تهران هم با دردهایی همراه است.

پیش از این میلاد تقوی رئیس فدراسیون والیبال، درخصوص آخرین شرایط وضعیت صابر کاظمی بازیکن والیبال ایران، گفته بود براساس درخواست خانواده صابر کاظمی و با مشورت کادر پزشکی تصمیم بر آن شد که صابر را با تجهیزات و امکانات کامل به یکی از مجهزترین بیمارستان‌های کشور منتقل کنیم اما این کار اصلا آسان نیست.

به نسبت اشاره کنیم؛ معمولا بیشتر مسافران یک هواپیما که وضعیت سلامتی متوسطی دارند، سفر هوایی را به خوبی تحمل می‌کنند و مشکلی در طول پرواز ندارند اما گروهی از مسافران هستند که به لحاظ سلامتی سفر هوایی

### حوادث

**آقای سوپر استار چه مدت در زندان می‌ماند و سرانجام این پرونده چه خواهد شد؟**

برای اینکه به پاسخ روشنی از جزئیات این ماجرای جنجالی برسید، تا پایان این گزارش همراه ما باشید.

**ماجرا چه بود؟**

پنج ماهی از زمانی که شکایت دختر جوان به ثبت رسید، می‌گذرد. شاکی در اظهارات اولیه خود مدعی شده بود که متهم او را ربوده و در خانه شخصی‌اش به او تجاوز کرده است. او در طرح ابتدایی شکایت خود گفت: «من یک بازیگر تازه‌کار هستم و از مدت‌ها قبل هنرجوی بازیگری بودم. رویای هنرپیشگی در سر داشتم تا اینکه در یک پروژه کاری با آقای سوپر استار سینما و تلویزیون آشنا شدم. او به من وعده داد و گفت می‌تواند مرا وارد پررژه کاری کند. چند شب بعد به بهانه اینکه من را تا مسیری برساند، سوار ماشینش شد اما بعد از طی مسافتی، از مسیر منحرف شد و هر چه به او التماس کردم پیاده‌ام کند توجهی نکرد. بعد مرا با اجبار به خانه‌اش برد و آنجا دست و پایم را بست و به من تجاوز کرد.»

با طرح این شکایت، در حالی که دختر جوان به دستور قضایی جهت انجام معاینات و آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد، تحقیقات بیشتری در این پرونده صورت گرفت. در همین حال متهم در همان روزهای ابتدایی پس از ثبت شکایت به مرجع قضایی احضار شد و به دلیل اینکه در برابر اتهام تجاوز قرار گرفته بود، برای او وثیقه ۵ میلیارد تومانی تعیین شد.

**چه کسی آقای بازیگر را بازداشت کرد؟**

با طی روال قانونی در پرونده، متهم و شاکی روز ۲۸ مهر ماه بعد از گذشت چند ماه از ثبت شکایت و بعد از طی روند قضایی در جلسه‌ای که جهت مواجهه حضوری و تکمیل تحقیقات تعیین شده بود، روبه‌روی هم قرار گرفتند.

این جلسه که در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شده بود، به معنی محاکمه آقای سوپر استار نیست. در پرونده‌هایی که با موضوع تجاوز در مراجع قضایی باز می‌شود، روال رسیدگی به این صورت است که تحقیقات ابتدایی نیز در

